

شأن مادری و چالش اشتغال زنان با رویکرد اخلاق کاربردی

فاطمه نادری پاریزی*

محمدجواد فلاح**

چکیده

مادری به‌عنوان بخشی از زندگی زنان مرحله‌ای ارزشمند است که زن را برخوردار از شأنی متفاوت‌تر از زمانی می‌کند که وارد چنین مرحله‌ای نشده‌است. اشتغال بانوان به‌عنوان امری رایج که به‌مثابه ارزش اقتصادی و یک نوع شأن اجتماعی برای زنان جامعه معاصر ارزش یافته است، با شأن مادری آنها در بسیاری از موارد معارض است. مدافعان هرکدام از این طرفین تعارض اخلاقی، استدلال‌هایی را طرح می‌کنند. رسیدن به استقلال مالی و برخورداری زن از منزلت اجتماعی، بخشی از استدلال موافقان اشتغال زن در مقابل مادری است. در پاسخ، ضمن ارزیابی استدلال‌های موافقان اشتغال بانوان، می‌توان ادله‌ای به نفع شأن اخلاقی مادر اقامه نمود. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی بیانگر آن است که مادری ضمن آنکه با اقتضائات روحی و جسمی و نیازهای واقعی زن هماهنگ است، نسبت به شئون عارضی دیگر چون اشتغال مقدم است. از سویی، ورود زنان به مشاغل مختلف و حضور در اجتماع اگر هم‌سو و هماهنگ با نقش مادری آنان نباشد، باعث لطمه‌های بسیاری به مادران و فرزندانشان خواهد شد.

واژگان کلیدی

اخلاق کاربردی، اخلاق مادری، شأن اخلاقی مادر، اشتغال بانوان، چالش اشتغال.

*. دانش آموخته دکتری مدرسی معارف اسلامی (گرایش اخلاق اسلامی)، دانشگاه معارف اسلامی قم و عضو هیات علمی

fatemenaderi87@yahoo.com

گروه معارف اسلامی، دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان (نویسنده مسئول).

mjfallah.ac@gmail.com

** دانشیار گروه اخلاق اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

بیان مسئله

یکی از خصیصه‌ها و شاخصه‌های همزاد با انسان‌ها، میل به سازندگی، فعالیت، پویایی، تولید و تلاش برای نیل به آبادانی و آسایش بیشتر است. خدای متعال در قرآن کریم پس از بیان خلقت انسان‌ها از زمین، آنها را به آبادانی و بهره‌گیری از آن دعوت می‌کند:

هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا. (هود / ۶۱)

خداوند شما را از زمین آفرید و شما را بر آبادانی آن گماشت.

به همین علت، کار و تلاش از آغاز زندگی در پهنه زمین، قرین زندگی انسان‌ها بوده است. زنان و مردان از دیرباز پایه‌پای یکدیگر بار مسئولیت زندگی را به‌دوش کشیده و مشغول فعالیت بوده‌اند. اشتغال از مؤلفه‌هایی است که برای رشد مادی، معنوی، روان‌شناختی، اجتماعی و اخلاقی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دارد. کار و تولید برای ادامه حیات انسان‌ها و بقای جامعه نقشی بنیادی دارد. (پناهی، ۱۳۹۷: ۵) در آموزه‌های دینی کار و تلاش برای کسب روزی حلال، عبادت محسوب شده و کسی که برای تأمین معاش خانواده‌اش تلاش می‌کند اجر مجاهد در راه خدا را دارد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۸۸) ارزشمندی و مطلوبیت کار و اشتغال، شامل همه افراد و از جمله زنان نیز می‌شود. البته کار و فعالیت زنان در صورتی دارای ارزش و آثار مثبت است که با وظایف اصلی آنان یعنی همسررداری و مادری، تعارض نداشته باشد.

امروزه شاغل بودن برای بسیاری از زنان به یک امر بدیهی و مسلم تبدیل شده است، اما به دلیل ناآشنایی آنان با الگوی صحیح و اسلامی اشتغال زنان و عدم توجه به چالش‌ها و آسیب‌های احتمالی گسترده، بسیاری از آنان را با مشکلات جدی مواجه کرده است. بسیاری از زنان، شأن و منزلت خود را در شاغل بودن جستجو می‌کنند و مادری را که مهم‌ترین شأن آن‌هاست بی‌اهمیت دانسته و در مقایسه با اشتغال بیرون از خانه، ارزشی برای آن قائل نیستند. گاهی اوقات کفّه منزلت اجتماعی و جایگاه شغلی چنان سنگینی می‌کند که به‌راحتی زنان از زیر بار فرزندآوری و فرزندپروری به بهانه اشتغال، شانه خالی می‌کنند. در شرایطی که کشور ما به‌سرعت به سمت پیرشدن می‌رود و تعداد موالید به زیر سطح جانشینی رسیده است و یکی از دغدغه‌های اصلی حاکمیت اسلامی، مسئله فرزندآوری و افزایش جمعیت است، در عین حال همچنان اشتغال در کنار تحصیل، اولویت اول زندگی زنان امروزی است. گرچه تحقیقات بسیاری در زمینه اشتغال زنان و پیامدهای مثبت و منفی آن انجام گرفته است، محور اصلی این تحقیقات بررسی اشتغال زنان از منظر روان‌شناختی، حقوقی،

جامعه‌شناختی، اخلاقی و ... بوده است، اما اشتغال زنان از منظر اخلاق کاربردی با محوریت تقابل آن با شأن مادری و میل فطری زنان به مادری کردن، مغفول مانده است. در این تحقیق که به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته، ابتدا دیدگاه موافقان اشتغال زنان بررسی می‌شود، سپس دیدگاه مخالفان اشتغال زنان، و در پایان با داوری اخلاقی دیدگاه‌ها از منظر اسلام، پیشنهادهایی برای حل تعارض میان شأن مادری و اشتغال بانوان بیان می‌گردد.

۱. استدلال‌های اخلاقی موافقان اشتغال بانوان

شاید بتوان اشتغال را برای بانوان فارغ از نقش‌های مادری و همسری مجاز و اخلاقی دانست. باری با توجه به دو نقش ذکرشده، این مسئله با چالش‌هایی مواجه است. البته برخی خواسته‌اند با قراردادن مادری در مقابل مسئله اشتغال زن، به نحوی مادری را غیراخلاقی و اشتغال را موجه سازند که می‌توان برای استدلال آنها این‌گونه قیاسی را ترتیب داد:

(الف) اشتغال برای زنان پیامدهای مثبتی دارد.

(ب) مادری مانع بزرگی برای رسیدن به پیامدهای مثبت اشتغال است.

(ج) مادری مانع اشتغال است و به لحاظ اخلاقی باید کنار گذاشته شود.

در این قیاس به ارزشمندی اشتغال زنان و دفاع اخلاقی از آن اشاره شده است. از این جهت این نگاه ارزشی را تبیین کرده و در مواجهه با دیدگاهی که شأن مادری را به این امر ترجیح می‌دهند، می‌پردازیم.

برخی از آمارها نیز بیانگر استقبال زنان از اشتغال است. آمار اشتغال زنان در ایران از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که جز مقطع زمانی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، منحنی اشتغال زنان روند صعودی داشته است. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۶ - ۲۵) در کشورهای دیگر نیز وضع به همین منوال است. به‌عنوان نمونه در سال ۱۹۴۰ م، در آمریکا کمتر از یک‌دهم مادران دارای فرزند زیر ۱۸ سال شاغل بودند، درحالی‌که ۴۰ سال بعد حدوداً دوسوم چنین مادرانی دارای مشاغل خارج از خانه بودند. (شلیت و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۹۸) برخی از مهم‌ترین پیامدهای مثبت اشتغال زنان که از دیدگاه موافقان اشتغال، می‌تواند اشتغال زنان را به لحاظ اخلاقی موجه سازد عبارتند از:

الف) کمک به اقتصاد خانواده

نیاز مالی و مشکلات اقتصادی گروهی از زنان از جمله زنان بدسرپرست، سرپرست خانوار، مطلقه و

مجرد را به اجبار وارد بازار کار کرده است، اما همه زنان شاغل در این گروه‌ها جای ندارند. از نظر مدیران به‌ویژه مدیران زن، مهم‌ترین و ضروری‌ترین علت اشتغال زنان، مسائل و مشکلات مالی و اقتصادی خانواده است. شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه و گرانی و تورم باعث شده مردان نتوانند به‌تنهایی از عهده هزینه‌های روزافزون خانواده برآیند. جالب آن است که بیش از ۸۰ درصد مدیران زن بر این عامل و ضرورت مشارکت زنان در تأمین معیشت خانواده تأکید داشتند. در مقابل، تنها ۴۸ درصد مردان این عامل را ضرورت روی آوردن زنان به اشتغال ذکر کردند. (رفعت‌جاه و خیرخواه، ۱۳۹۲: ۱۴۳)

از نگاه موافقان اشتغال زنان، در شرایط کنونی که به‌دلایل مختلف سطح رفاه خانواده‌ها نسبت به گذشته بسیار بالاتر رفته، اشتغال زنان در واقع ایثار و از خودگذشتگی آنان برای کمک به رفاه اقتصادی خانواده است و این امر از نظر اخلاقی منجر به تقویت صفت اخلاقی ایثار در زنان می‌شود و اشتغال آنان را از نظر اخلاقی موجه می‌سازد.

ب) استقلال مالی و عدم وابستگی (عزت نفس)

عزت نفس که در پرتو استقلال مالی به‌دست می‌آید یکی از استدلال‌های اخلاقی برای اشتغال بانوان است. زنان از آینده اقتصادی خود بیمناک‌اند از این‌رو با انتخاب اشتغال بیرون از منزل به‌دنبال درآمدزایی، استقلال مالی و تضمین آینده خویش هستند. از سوی دیگر، تزلزل موقعیت اقتصادی مرد در مشاغل روزمزدی یا احتمال اخراج همسر از محیط کار، همچنین ناکافی بودن حقوق بازنشستگی و خدمات تأمین اجتماعی و احتمال فوت همسر هم از جمله عواملی هستند که زنان را به آینده‌نگری و استقلال مالی وامی‌دارند. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۳۹)

براساس تحقیقی که درباره چالش‌های اشتغال زنان انجام دادند به این نتیجه رسیدند که ۷۸ درصد زنان مدیر بر این باور بودند که برای زنان شاغل آنچه بیش از کسب درآمد اهمیت دارد، استقلال مالی و مقابله با مشکلات احتمالی مثل فوت همسر، طلاق و مسائل دیگر است. با این حال نسبت مدیران مردی که این انگیزه را برای اشتغال زنان ذکر کردند کمتر از زنان و حدود ۶۰ درصد بوده است. (رفعت‌جاه و خیرخواه، ۱۳۹۲: ۱۴۴)

ج) ارتقای منزلت اجتماعی

استدلال دیگر ارتقای منزلت اجتماعی است که سبب هویت‌سازی و آرامش افراد خواهد شد. همه انسان‌ها مایل‌اند در نظر دیگران فردی خوب، کامل و مفید جلوه کنند. این خصوصیت برگرفته از

حس کمال‌طلبی و ترقی‌خواهی است که سبب می‌گردد انسان برای کسب شخصیت اجتماعی مؤثر و کارآمد تلاش نماید. همین میل هم در زنان باعث شده تا برای کسب هویت و منزلت اجتماعی، به اشتغال روی آورده (غفاری، ۱۳۸۴: ۳۰) و آن را بر مادری و خانه‌داری ترجیح دهند؛ زیرا از منظر افکار عمومی و خانواده‌ها، پرداختن زن به امور خانه، فرزندآوری و فرزندپروری دارای پرستیژ اجتماعی نیست و کسی که به این امور می‌پردازد کار مهمی نمی‌کند. بر همین اساس گروهی از زنان به‌منظور افزایش منزلت اجتماعی، کسب تجربه، به‌دست آوردن موفقیت‌های بیشتر، افزایش اعتماد به نفس و خودباوری به فعالیت‌های بیرون از منزل روی می‌آورند. این گروه بر این باورند که مهم‌ترین یا تنها راه پیشرفت و موفقیت در زندگی، از طریق اشتغال بیرون از منزل است. (پناهی، ۱۳۹۷: ۳۷)

از نظر موافقان اشتغال زنان، زنان با کسب منزلت اجتماعی از طریق اشتغال و احساس مفیدبودن، از آرامش روحی - روانی برخوردار می‌شوند و این امر می‌تواند توجیه اخلاقی مناسبی برای روی آوردن آنها به اشتغال باشد. برخی تحقیقات میدانی نیز بیانگر آن است که ارتقاء منزلت اجتماعی، یکی از انگیزه‌های ورود زنان به اشتغال است. براساس نتایج برخی پژوهش‌های کیفی، ۵۰ درصد از مدیران زن و ۴۰ درصد از مدیران مرد اعتقاد داشتند یکی از انگیزه‌های مهم روی آوردن زنان به اشتغال، کسب هویت اجتماعی، ارتقاء منزلت اجتماعی و تحقق بخشیدن به توانایی‌های آنان است. (رفعت‌جاه و خیرخواه، ۱۳۹۲: ۱۴۵)

د) رهاشدن از پوچی و بی‌هویتی

یکی از علل اساسی و مهم گرایش زنان به اشتغال بیرون از منزل، کم‌ارزش تلقی شدن همسررداری، فرزندآوری و فرزندپروری و در یک کلام خانه‌داری است. در حال حاضر کم‌وبیش در فضای عمومی جامعه و خانواده‌ها، خانه‌داری جایگاهی ندارد. عده‌ای کار و فعالیت در خانه را نشانه ناتوانی، حقارت، بی‌عرضگی و بی‌مهارتی زن می‌دانند. این تلقی که بدترین و زشت‌ترین تلقی درباره بانوان خانه‌دار است، علاوه بر اینکه در سال‌های اخیر بیشترین تأثیر را در روانه کردن زنان به سوی بازار کار داشته، سبب احساس حقارت و خودکم‌بینی را در زنان خانه‌دار و حتی فرزندان‌شان فراهم کرده است. (پناهی، ۱۳۹۷: ۳۸) در جامعه کنونی تحت‌تأثیر دیدگاه‌های فمینیستی، آنچه زمانی به‌عنوان یک ارزش مورد احترام بود، مانند مادری و پرورش فرزندان، رسیدگی به نیازهای همسر و اداره امور خانه، غیرقابل توجیه و نوعی فلاکت تصور می‌شود. از نظر موافقان اشتغال زنان، در جامعه امروز که دیگر خانه‌داری ارزشی ندارد، زنان برای رها کردن خود از خانه‌داری بی‌ارزش و تبعات روانی آن مانند افسردگی و انزوا، باید به اشتغال بیرون از منزل روی آورند.

۲. نقد و ارزیابی اخلاقی استدلال‌ها

باتوجه به دیدگاه‌های فوق، مخالفت‌هایی نسبت به آنها ارائه شده است و نمی‌توان آنها را به جهت اخلاقی تام و تمام دانست، از این‌رو به‌راحتی نمی‌توان شأن مادری را فدای چنین اموری کرد. امروزه ترویج تجمل‌گرایی در خانواده‌ها و افزایش تقاضای کاذب به‌سوی مصرف‌گرایی در دهه‌های اخیر که با بالارفتن سطح انتظارات رفاهی همراه بوده، بیشترین تأثیر را در روی آوردن زنان به بازار کار داشته است. ترویج رفاه‌زدگی، تجمل‌گرایی و اسراف، چشم و هم‌چشمی، مقایسه زندگی خود با دیگران و فراموش کردن قناعت، زمینه را برای به‌دست آوردن درآمد اقتصادی بیشتر و مشارکت زنان در تحصیل این درآمد فراهم کرده است. (پناهی، ۱۳۹۷: ۳۷) درواقع کمک زن به اقتصاد خانواده، صرف تجمل‌گرایی شده و موجبات رفاه‌زدگی و دنیاگرایی را فراهم می‌کند. اگر نیاز اقتصادی، دلیل روی آوردن زنان متأهل به اشتغال بود، می‌بایست تعداد زنان شاغلی که شوهرانشان کم‌درآمد هستند، بیشتر از تعداد زنانی باشد که شوهران پردرآمد دارند، اما وضع برعکس است. سال ۱۹۸۸ م در آمریکا تنها ۴۲ درصد زنانی که شوهرانشان درآمد پایین‌تر از متوسط داشتند، شاغل بودند، درحالی‌که ۷۱ درصد زنان دارای شوهران با درآمد بالای متوسط، مشغول به کار بودند. این آمار بیانگر این است که اشتغال بسیاری از زنان متأهل، به‌دلیل نیاز اقتصادی نیست. (صادقی فسایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۰)

امروزه با تبلیغات گسترده غربی‌ها مبنی بر تبعیض، بی‌عدالتی و تساوی بین زن و مرد، تب‌وتاب اشتغال در زنان زیاد شده، به‌گونه‌ای که زنان برای اشتغال جایگاه بسیار مهمی قائل هستند و برای رسیدن به آن از یکدیگر سبقت می‌گیرند. این در حالی است که در دهه‌های گذشته، شغل برای زنان امتیاز شمرده نمی‌شد. معمولاً زنان خانواده‌هایی که منزلت اجتماعی کمتری داشتند به اشتغال خارج از منزل می‌پرداختند و اشراف و فرهیختگان، اشتغال خارج از منزل را دور از شأن خود می‌پنداشتند. (پناهی، ۱۳۹۷: ۱۹۳) براین اساس می‌توان گفت کسب منزلت اجتماعی از طریق اشتغال، رهاورد فرهنگ غرب است و در سبک زندگی اسلامی، منزلت اجتماعی زن وابسته به اشتغال نیست.

استقلال مالی زنان این پیامد منفی را دارد که سبب افزایش اقتدار آنان در خانواده می‌شود و آستانه تحمل آنها را در مواجهه با بدرفتاری‌های همسر کاهش داده، سبب نافرمانی در مقابل همسر می‌شود. براین اساس، در صورتی که زن از نظر مراتب اخلاقی و دینی ارتقاء نیافته باشد، اشتغال او تهدیدی برای دوام و پایداری خانواده خواهد بود. (رفعت‌جاه و خیرخواه، ۱۳۹۲: ۱۴۵) بنابراین، می‌توان گفت اشتغال زنان به انگیزه کسب استقلال مالی، عدم وابستگی به همسر و تأمین عزت

نفس، مانند تیغ دولبه‌ای است که هم تضمین آینده آنهاست و هم تهدید آینده آنها. رهاشدن از پوچی و جستجوی هویت در اشتغال، احتمالاً از آنجا ناشی می‌شود که امروزه با توسعه روزافزون مادی‌گرایی، شأن و منزلت انسانی با ارزش‌های مادی قرین شده و از آنجا که تصور عمومی بر این است که صرفاً کار بیرون از منزل یا کار در ازای درآمد، دارای ارزش اقتصادی است، در نتیجه به امور خانه‌داری که مولد درآمد و دارای ارزش اقتصادی تصور نمی‌شود، کمتر بها داده می‌شود. در حالی که خانه‌داری قابل ارزش‌گذاری اقتصادی است و باید تلاش شود تا کار خانه‌داری زنان به‌مثابه کاری که نقش مستقیم در اقتصاد پولی کشور و درآمد خانواده دارد، شناخته شود.

۳. استدلال‌های اخلاقی علیه اشتغال زنان در مواجهه با شأن مادری

با توجه به اینکه ادعای ما بر اصل بودن مادری برای زنان و فرع بودن اشتغال استوار است، می‌توان علیه اشتغال زنان در مقابل مسئله مادری استدلال‌هایی را طرح نمود. در این قسمت به برخی استدلال‌های مخالف اشتغال در مقابل امر مادری می‌پردازیم.

از آنجا که مهم‌ترین وظیفه زن، همسرداری، فرزندآوری و فرزندپروری است، اشتغال پیامدهای منفی برای ایفای نقش‌های اصلی آنها دارد که این پیامدها از دیدگاه مخالفان اشتغال زنان می‌تواند در مقدمه استدلال اخلاقی بر علیه اشتغال زنان مورد استفاده قرار گیرند. مخالفان اشتغال زنان این‌گونه استدلال می‌کنند:

الف) اشتغال زنان پیامدهای منفی را متوجه مادر و فرزندش می‌کند.

ب) هر آنچه سبب آسیب به مادر و فرزند شود، غیراخلاقی است.

نتیجه: اشتغال زنان، غیراخلاقی است.

می‌توان چالش‌های اخلاقی پیش روی بانوان را به دو بخش تقسیم نمود، بخشی مربوط به شخص زن است و دیگری مربوط به حقوق فرزندان. اگر ما بتوانیم با تحلیل‌های روان‌شناختی و دیگر شواهد اثبات کنیم که فداکردن نقش مادری برای اشتغال منجر به خسارت‌های روحی - روانی و حتی جسمی برای زنان خواهد شد، می‌توان ترجیح مادری را بر اشتغال به جهت اخلاقی اثبات نمود. در ادامه برخی از مهم‌ترین پیامدهای منفی اشتغال زنان را که موجب چالش آن با شأن مادری می‌گردد به تفصیل بیان کرد:

الف) افزایش سن ازدواج و خسارت‌های جبران‌ناپذیر

یکی از مشکلاتی که اشتغال بانوان ایجاد نموده است به تأخیر انداختن ازدواج به‌عنوان یکی از

نیازهای اساسی بانوان است. تأثیر اشتغال زنان بر افزایش سن ازدواج چندان نیازمند بحث نیست. دختران با احراز فرصت‌های شغلی، موقعیت‌های اجتماعی تازه‌ای می‌یابند و شرایط سخت‌تری برای ازدواج خود در نظر می‌گیرند. یک زن شاغل، به‌خصوص زمانی که در موقعیت شغلی بالایی قرار داشته باشد، تمایل چندانی ندارد که با فردی جویای کار یا با شخصی با موقعیت شغلی پایین‌تر از خودش ازدواج کند. از سوی دیگر، دغدغه حمایت اقتصادی به‌عنوان یکی از انگیزه‌های تمایل به ازدواج در زنان دارای مشاغل ثابت و حمایت‌های تعیین‌شده ایام بازنشستگی، کمتر دیده می‌شود. بنابراین احتمال بیشتری وجود دارد که دختران شاغل به سن مجرد قطعی برسند. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۴۵) امروزه به سبب تقویت خانواده هسته‌ای^۱ و دشواری‌های اقتصادی در جوامع صنعتی، متوسط سن ازدواج افزایش یافته است؛ زیرا الگوهای رفتاری معاصر به‌دنبال رفاه بوده و آن را جزئی ضروری از زندگی می‌داند و از این طریق توقع مادی بیشتری ایجاد می‌کند که بالطبع دستیابی به آن امری زمان‌بر شمرده می‌شود. (آزاد ارمکی، ۱۳۹۵: ۹۶) لازمه رسیدن به رفاه بیشتر این است که علاوه بر مردان، زنان نیز شاغل باشند. بر این اساس، الگوی دختران امروزی در جوامع صنعتی و در جوامع در حال توسعه برای رسیدن به رفاه بیشتر، ادامه تحصیل، کسب شأن تحصیلی، شغلی و اجتماعی است که ازدواج مانع دستیابی به آنهاست. بنابراین، افزایش سن ازدواج به‌دنبال روی آوردن زنان به اشتغال، پدیده‌ای دور از انتظار نیست.

در حال حاضر به تقلید از جوامع غربی، نگرش نسبت به ازدواج در جامعه ما، دستخوش تغییرات شده است؛ به‌گونه‌ای که حتی خانواده‌های سنتی، ازدواج را دیگر تنهاگزینه برای دخترانشان نمی‌دانند. (همان) این نگرش در حال شکل‌گیری است که اگر دختران بتوانند ادامه تحصیل دهند و به شغلی دلخواه دست یابند و به استقلال مالی برسند، در صورت مجرد نیز می‌توانند به‌راحتی زندگی کنند و جای نگرانی به‌دلیل عدم ازدواج وجود ندارد.

براساس آنچه بیان شد می‌توان گفت با افزایش سن ازدواج و افزایش احتمال مجردی در میان زنان شاغل، علاوه بر آسیب‌های روحی - روانی و اخلاقی، شانس مادرشدن چنین زنانی نیز کاهش پیدا کرده و اشتغال از این منظر چالشی جدی برای مادری و شأن مادری محسوب می‌شود.

۱. خانواده هسته‌ای عبارت است از واحد خانوادگی بنیانی که شامل شوهر، زن و فرزندان می‌شود. در مقابل خانواده گسترده که براساس مناسبات خونی تعداد بیشماری از افراد از جمله والدین فرزندان، پدربزرگ و مادربزرگ‌ها، عمه‌ها، عموها، خاله‌ها و دایی‌ها را شامل می‌شود. (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۸)

ب) محروم شدن از فواید فرزندآوری و فرزندپروری

اساسی‌ترین آسیب اشتغال بی‌ضابطه زنان که آن را در تعارض با مادری قرار می‌دهد، تمایل اندک به فرزندآوری و عدم مراقبت کافی از فرزندان توسط مادران شاغل است. تولید مثل و بقاء نسل، مهم‌ترین هدف تشکیل خانواده است.

در آموزه‌های دینی یکی از حکمت‌های مهم آفرینش انسان در قالب زن و مرد و تشکیل خانواده، تولید نسل و بقاء نسل انسان معرفی شده است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۱۱ سوره شوری، توالد و تناسل و زیادشدن افراد را یکی از حکمت‌های اساسی خلقت زن و مرد به صورت زوج بیان کرده‌اند. ایشان می‌فرماید: در این آیه پس از تصریح به این که خدای تعالی ربّ است، ربوبیت را هم منحصر در او می‌داند. آفرینش انسان‌ها و سایر موجودات به صورت نر و ماده، هم خلقت است و هم تدبیر؛ زیرا با آفرینش انسان‌ها به صورت نر و ماده، عدد آنها را بسیار کرد و با آفرینش حیوانات به صورت نر و ماده، آنها را تکثیر نمود تا انسان‌ها (نسل به نسل) از آن حیوانات (نسل به نسل) استفاده کنند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۳۷) در روایات نیز توصیه شده با زنان فرزندآور و زاینده ازدواج بشود و از ازدواج با زن نازا پرهیز شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می‌فرماید:

تَزَوَّجُوا بِكَرًا وُلُودًا وَا لَا تَزَوَّجُوا حَسَنَاءَ جَمِيلَةً عَاقِرًا فَإِنَّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۳۳۳)

با زنان باکره فرزندآور ازدواج کنید و از ازدواج با زنان زیباروی نازا بپرهیزید؛ زیرا من در روز قیامت به فراوانی شما بر دیگر امت‌ها مباحثات می‌کنم.

امروزه کم فرزندآوری و تمایل نداشتن به فرزند بیشتر به دلیل تعارض میان فرزندآوری و اشتغال، از آسیب‌های مهم اشتغال بی‌ضابطه مادران است. نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه‌دار در تعیین تعداد موالید نقش برجسته‌تر و تعیین کننده‌تری دارند. (قربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۵۵) ارتباط میان اشتغال زنان و سقوط رشد جمعیت در نزد جامعه‌شناسان و جمعیت‌شناسان به قدری بدیهی است که برای کنترل و تعدیل رشد جمعیت در کشورهای جهان سوم، اشتغال بانوان را توصیه می‌کنند. (هاجری، ۱۳۸۲: ۴۸)

با افزایش اشتغال بی‌ضابطه مادران، با کاهش تعداد فرزندان و افزایش شمار خانواده‌های تک‌فرزند یا دوفرزند مواجهیم. (بنگستون و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۸۹) این پدیده علاوه بر محروم کردن مادران از نعمت فرزندان بیشتر، آسیب‌هایی را برای فرزندان این خانواده‌ها در پی دارد که مهم‌ترین

آنها پرورش روحیه خودخواهانه و فردگرایانه است؛ درحالی که خانواده پرجمعیت با امکانات متوسط یا کم، در صورتی که به‌درستی مدیریت شود، فضای مناسبی برای تقویت و پرورش روحیه هم‌گرایی، تلاش، قناعت، گذشت و فداکاری و دیگر فضیلت‌های اخلاقی است. (همان: ۵۱) علاوه بر مشکلاتی که کم‌فرزندآوری برای فرزندان خانواده دارد، مشکلاتی را برای بارورشدن شخصیت والدین نیز دارد. تنها ریشه عمومی رشد و پختگی، در پرورش فرزندان قرار دارد، هرچه تعداد فرزندان بیشتر، کودکی کردن کمتر. پرورش شمار زیاد بچه‌های منضبط، گرچه به والدین کمک اقتصادی نمی‌کند، آنان را متحول و عمیق می‌سازد؛ زیرا وقتی زندگی خود را صرف خوب شدن و خوب رشد کردن دیگران می‌کنیم، آدم دیگری خواهیم شد. (مک کین، ۱۳۸۲: ۳۳)

با توجه به فواید مثبت فرزندآوری برای مادر و تأثیرات آن بر تکامل روحی - روانی و اخلاقی مادر و رشد شخصیت او و تأمین نیاز فطری زنان به مادرشدن و فواید آن برای فرزندان، می‌توان گفت اشتغال زنان به‌عنوان مانعی مهم برای فرزندآوری، در تعارض با مادری قرار دارد.

ج) محروم شدن مادر از لذت همراهی با فرزند

زندگی در کنار کودک و تعامل با او، لذیذترین ساعات زندگی یک مادر است که جز او کسی قادر به درک این لذت نیست. امروزه اشتغال و واقعیت‌های اقتصادی، آن‌چنان ارزشمند شده که دیگر کسی برای این احساسات مادرانه، ارزشی قائل نیست. این پیغام ظالمانه که «شما پول آن را ندارید» تا بخواهید چنین احساساتی را داشته باشید، به‌طور گسترده‌ای به مادران تحمیل می‌شود و انکار می‌کند که «واقعیت» چه در سطح شخصی یا اجتماعی تا حدی ساخته دست خودمان است. (همان) ارزش‌های اقتصادی و نگرش‌های مادی‌انگارانه، آن‌چنان سایه‌اش را بر زندگی انداخته که کمتر کسی به فواید همراهی مادر با فرزند، برای مادر و فرزند و ارضای عواطفی که لازمه مادری کردن است، ارزش قائل است.

اینکه تعریف ما از منافع مادر، فقط شامل منافع اقتصادی باشد، بیش از آنکه نمایانگر «واقعیت» باشد، نمایانگر نوعی ارزش است؛ ارزش قائل شدن برای پول به‌گونه‌ای که بسیاری از مسائل عاطفی مهم در نظر مادران، نادیده گرفته می‌شود. (دمارن، ۱۳۸۹: ۱۰۸) البته برخی مادران تحت‌تأثیر القاعات اقتصادی، برای مادری کردن ارزشی قائل نشده و سعی می‌کنند احساسات مادرانه خود را نادیده بگیرند تا در روند اشتغال و ارتقاء شغلی‌شان خللی وارد نشود. لذت بردن از همراهی با فرزند و در کنار او بودن، حق مادر است و این همراهی در واقع پاسخ به میل فطری مادری کردن در وجود

زنان است. از آنجاکه اشتغال، نیاز فطری مادران به مادری کردن را محدود می‌کند و مدت بسیاری مادر را از لذت همراهی با فرزند محروم می‌کند، غیراخلاقی است.

د) احساس گناه و عدم رضایت از خود

بی‌تردید بسیاری از مادران شاغل از اینکه وقت ندارند در کنار کودکان خود باشند، نگران هستند و احساس می‌کنند درگیر تقلایی بی‌پایان شده‌اند تا بتوانند از عهده مسئولیت‌های متعدد مادری، همسری، خانه‌داری و کارمندی که به‌نظر می‌رسد هریک از آنها کاری تمام‌وقت است، برآیند. (شلیت و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۹۹)

از آنجاکه زنان در هنگام کار نمی‌توانند زمان بیشتری را با فرزندان خود بگذرانند، فکر می‌کنند مادر خوبی نیستند و احساس گناه می‌کنند؛ یک فکر عمیق و تقریباً نهفته وجود دارد که وجدان مادر را می‌آزارد؛ اینکه یک کودک همیشه به وجود مادر احتیاج دارد. از طرفی چون دارای فرزند هستند از اینکه سخت کار نمی‌کنند احساس عذاب وجدان می‌کنند. (فیگز، ۱۳۸۴: ۱۱۴)

همه مادران شاغلی که دغدغه مراقبت از فرزند خویش را دارند، به‌خوبی درک می‌کنند که هیچ‌کس مانند خودشان از کودکان مراقبت نمی‌کند، به همین علت اگر کودکان در هرجایی غیر از آغوش پر مهر خودشان باشد، همواره مضطرب و نگران هستند. این نگرانی، زمانی که فرزند شیرخوار و خردسال باشد بسیار بیشتر است. بیش از نیمی از مادران شاغل درباره رهاکردن فرزندان خود در مهدکودک احساس گناه می‌کنند؛ (به نقل از پناهی، ۱۳۹۷: ۱۶۹) زیرا هیچ‌کس و هیچ‌چیز در زندگی یک کودک به اندازه بودن در کنار مادرش اهمیت ندارد و حتی با کیفیت‌ترین مهدکودک‌ها نیز نمی‌توانند خلأ نبود مادر را جبران کنند. به‌دلیل همین تعارضات و نگرانی‌ها، برخی از زنان برجسته به‌جای آنکه با تنش، احساس گناه و اندوه کنار بیایند، کار خود را رها می‌کنند. «برندا بارنز»، رئیس و مدیر اجرایی کارخانه پپسی کولای آمریکای شمالی، هنگامی که یکی از سه کودک او گفته بود «اگر او قول دهد برای تمام تولدهای ما خانه باشد»، می‌تواند به کار خود ادامه دهد، از شغل خود استعفا داد. (Fisher, 1999: 47) مادر حق دارد زندگی بدون دغدغه و نگرانی را در کنار فرزندانش تجربه کند، اما اشتغال آرامش را از او می‌گیرد و از او فردی مضطرب و نگران می‌سازد. از دیدگاه مخالفان اشتغال زنان این پیامد سوء؛ یعنی ایجاد اختلال در آرامش مادر، اشتغال مادران را غیراخلاقی می‌سازد.

ه) فشار مضاعف جسمی و روانی ناشی از تعارض شغل - خانواده

ایفای هم‌زمان نقش‌های خانگی و اجتماعی، هم به دلیل ناهم‌خوانی بسیاری از مشاغل اجتماعی با ویژگی‌های زنانه، و هم به دلیل فشار ناشی از جمع بین این دو فعالیت، زنان را آسیب‌پذیر می‌سازد. از این روی برخی بیماری‌ها در این گروه از زنان بیشتر از زنان خانه‌دار به چشم می‌خورد. برخی پژوهش‌های میدانی بیانگر آن‌اند که زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه‌دار بیشتر اضطراب دارند، که این وضع ناشی از تعدد نقش‌هاست. تعارض نقش‌ها از یک‌سو فرد را دچار حالت بی‌سامانی می‌کند، و از سوی دیگر، او را در ایفای هم‌زمان نقش‌های متعدد ناتوان می‌سازد. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۴۶)

حل و فصل تضاد میان وظایف مادری و حرفه‌ای بسیار دشوار است. مادران شاغل معمولاً نه وظایف مادری و خانه‌داری را می‌توانند به خوبی انجام دهند و نه وظایف حرفه‌ای را؛ زیرا زمانی را که باید به فرزند و امور خانه اختصاص دهند، در محل کار حضور دارند. اگر فرزند شیرخوار یا خردسال داشته باشند، نگرانی از وضعیت فرزند و دوری از او مانع تمرکز حواس و انجام کار حرفه‌ای به خوبی است. زمانی هم که با خستگی به خانه برمی‌گردد، رسیدگی به امور فرزند و انبوه کارهای خانه درحالی‌که کمک‌کاری ندارد، او را آشفته و سردرگم می‌کند. در نتیجه هم به لحاظ جسمی و هم به لحاظ روانی دچار آسیب می‌شوند، لذا از این منظر نیز اشتغال زنان غیر اخلاقی است.

درحالی‌که براساس آموزه‌های دینی، زن به گل تشبیه شده که دارای لطافت و ظرافت است و کارهایی که به روح لطیف او آسیب می‌رساند، از او خواسته نشده است. امام علی علیه السلام از واگذاری مسئولیت‌ها و کارهایی که تناسب با لطافت و ظرافت قوای بدنی زنان ندارد نهی می‌کند و می‌فرماید:

لَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ مِنَ الْأَمْرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا فَإِنَّ ذَلِكَ أَنْعَمَ لِحَالِهَا وَ أَرْخِيَ لِبَالِهَا وَ أَدْوَمَ لِحَمَالِهَا
فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ. (نوری، ۱۴۰۸: ۱۴ / ۲۵۱)

به زن فراتر از توان و ظرفیت مسئولیت واگذار نکن. این به حال او مناسب‌تر است، خاطر او را بیشتر راضی می‌کند و زیبایی او را پایدار می‌سازد. به‌درستی که زن گلی خوش‌بو است و خدمتگزار نیست.

و) ایجاد اختلال در تأمین نیازهای عاطفی و روان‌شناختی فرزندان

یکی از مهم‌ترین نیازهای کودکان که پایه و اساس روابط آنها با دیگران و زمینه رشد بهنجار شخصیت آنان را تعیین می‌کند، نیاز به محبت و امنیت است. توانمندی کلامی بالا در زنان (Hyde, 2013: 172) و توانایی خاص آنان در بروز هیجانات عاطفی و استمرار آن (Robbins and Judge, 2015: 107)

نقشی اساسی در تأمین نیازهای عاطفی کودکان دارد.

«جان بابی» پس از تحقیقات گسترده در مورد کودکان محروم از مهر مادر، نتیجه گرفت که محرومیت از مهر مادری سبب بروز مشکلات پرشماری در کودکان خواهد شد. جمله‌ای که او بر آن تأکید می‌ورزید این بود:

عشق مادر در دوران نوزادی و کودکی همان قدر برای بهداشت روانی کودک با اهمیت است که ویتامین‌ها و پروتئین‌ها در بهداشت جسمی او مهم‌اند. (به نقل از: بختیاری، ۱۳۸۸:۱۹۱)

مطالعاتی که روان‌پزشکان کودک درباره ناراحتی‌ها و اختلالات عاطفی کودکان به عمل آورده‌اند نشان می‌دهد علت بیشتر این اختلالات، محرومیت از مادر است. کندی در سخن گفتن، پایین آمدن بهره هوشی، کاهش میزان جنب‌وجوش، کم‌عمقی واکنش عاطفی، پرخاشگری، اختلال حواس، عدم آمادگی برای ایفای نقش پدر یا مادری و... می‌تواند از آثار ناگوار محرومیت از مادر به حساب آید. (مصباح و همکاران، ۱۳۸۵: ۲ / ۸۵۹ - ۸۵۸)

دامان پر مهر مادر که منشأ رحمت و رأفت و جلوه‌ای از رحمت واسعه الهی است، نخستین جایی است که محل تأمین نیازهای اساسی کودک به‌شمار می‌آید. پرورش مادرانه، تنها پرورشی است که می‌تواند فرزندی با شخصیت، متعادل و فاقد عقده‌های روحی تربیت کند. اقتضای شأن مادری این است که مادران به نیازهای عاطفی و روانی فرزندان خود توجه کنند و بدانند هرکس دیگری غیر از مادر، شاید بتواند نیازهای جسمی فرزندشان را برطرف کند، اما نیازهای روحی و روانی جز در آغوش پرمهر مادر تأمین نمی‌شود. از منظر مقام معظم رهبری (حفظه الله):

این رشته‌های به شدت رقیق و نازک اعصاب کودک را فقط سر انگشت ظریف و لطیف مادر است که می‌تواند از هم جدا کند که عقده به وجود نیاید، هیچ‌کس دیگر نمی‌تواند. این کار، کار زنانه است. (www.khamenei.ir)

تحقیقات نشان داده است در بسیاری از موارد مادر غیر شاغل بهتر می‌تواند به نیازهای عاطفی، اجتماعی و شخصیتی کودک خود پاسخ مثبت دهد و درحین رسیدگی، با وی تعامل عاطفی برقرار ساخته و او را از عواطف محبت‌آمیز خود بهره‌مند گرداند. (مصباح و همکاران، ۱۳۸۵: ۲ / ۸۶۲)

در این زمینه می‌توان به برخی تحقیقات میدانی نیز استناد کرد. مطالعه‌ای مربوط به سال ۲۰۰۲ م،

بیانگر تأثیرهای منفی اشتغال تمام‌وقت مادر در نه ماهه اول زندگی یک کودک است. پژوهشگران، پس از ثابت نگه داشتن دیگر متغیرهای مربوط، به این نتیجه رسیدند که مادرانی با تجربه کاری نسبتاً طولانی در خارج از خانه - بیش از ۳۰ ساعت در هفته - کودکانی را پرورش می‌دهند که در سه سالگی توسعه ادراکی و گفتاری ضعیف‌تری نسبت به فرزندان مادران خانه‌دار دارند. (رودز، ۱۳۹۲: ۲۵۹) امروزه بسیاری از مادران شاغل، غافل از تأمین نیازهای عاطفی و روانی فرزندان خود و برای تأمین نیازهای مادی آنها به اشتغال روی آورده‌اند، درحالی‌که تأمین نیازهای عاطفی و روانی در رشد بهنجار شخصیت فرزندان و زندگی موفق آنها در آینده بسیار اثرگذارتر از تأمین نیازهای مادی آنهاست. چه بسیاری از کودکانی که از نظر امکانات مادی در رفاه هستند، اما تشنه محبت مادر هستند و آرزو دارند روزی بیایند که بتوانند حضور تمام‌وقت مادر را در کنار خود احساس کنند. براساس آنچه بیان شد می‌توان گفت اشتغال مادران از این جهت که در تأمین نیازهای عاطفی و روانی فرزندان اختلال ایجاد می‌کند و درواقع تضییع حقوق آنها محسوب می‌شود، غیراخلاقی است.

ز) تهدید فرایند آموزش و تربیت فرزندان

اشتغال زنان اگر بدون رعایت چهارچوب‌های لازم باشد؛ موجب اختلال در فرایند تربیت، آموزش و رشد اجتماعی کودکان می‌شود. نقش تربیتی و آموزشی از مهم‌ترین نقش‌های والدین، به‌ویژه مادر است. (پناهی، ۱۳۹۷: ۱۶۴) هرکس اهمیت وقت گذاشتن، حضور فیزیکی و ارتباط فشرده تربیتی مادر و فرزند را انکار کند درواقع منکر تمام بدیهیات یافته‌های مربوط به رشد کودکان شده است. جدایی طولانی‌مدت از نزدیک‌ترین کس به انسان می‌تواند منجر به محرومیت جدی شود. (گیلدر و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۳) مادران شاغل به‌طور طبیعی فرصت کافی برای تربیت و آموزش فرزندان خود نخواهند داشت؛ زیرا مادر چندین ساعت از روز را دور از فرزند بوده و وقتی به خانه برمی‌گردد با جسم و جانی خسته از کار، باید مشغول رسیدگی به کارهای خانه شود. بر همین اساس، اغلب مادران فرصت کافی نسبت به تأمین نیازهای کودک خود و رسیدگی کافی نسبت به آنها را ندارند. بی‌شک در بسیاری از موارد، مادر غیرشاغل بهتر می‌تواند به نیازهای عاطفی، اجتماعی و شخصیتی کودک خود پاسخ دهد. برعکس، مادری که به‌دنبال چندین ساعت کار و تلاش در خارج از منزل، با حالتی خسته به منزل برمی‌گردد، نمی‌تواند بر انجام دادن این مهم آن‌طور که شایسته است اقدام کند. (مصباح و همکاران، ۱۳۸۵: ۲ / ۸۶۲) مادران شاغل ناچارند فرزندان خود را هنگام اشتغال به مهدکودک و یا پرستار خانگی بسپارند و فرزند ساعات طولانی از تربیت و مدیریت توأم با عطف و

مادرانه محروم می‌شود و همین امر موجب اختلال در فرایند تربیت او می‌شود، حال آنکه کودک حق دارد از پرورش مادرانه بهره‌مند شود و مادر وظیفه دارد نیاز فرزند خود را از این جهت برآورده کند نه اینکه او را به دیگران واگذار کند، لذا این آسیب که آسیبی جدی محسوب می‌شود و تبعات آن به جامعه نیز سرایت می‌کند، اشتغال مادران را به چالشی در برابر مادری تبدیل می‌کند و به لحاظ اخلاقی آن را غیرموجه می‌سازد.

۴. تبیین اخلاقی و داوری دیدگاه‌ها با رویکرد اسلامی

آنچه به عنوان داوری نهایی می‌توان مطرح کرد، اینکه زن به جهت تکوینی دو نقش عمده (همسری و مادری) بر عهده دارد و در صورت عدم تحقق چنین اهدافی - که در راستای سعادت و کمال یک زن قابل ترسیم است - نمی‌توان زن را برخوردار از شأن و منزلتی متفاوت دانست. به نظر می‌رسد براساس مباحث پیش گفته می‌توان ارزش مادری را برای زنان به جهاتی ترجیح داد و البته به حسب شرایطی اشتغال را برای زنان تجویز نمود. جدای از استدلال‌هایی که به جهت روان‌شناختی و جامعه‌شناختی طرح شد، می‌توان شواهد دینی را نیز برای این مطلب اقامه نمود.

در گزاره‌های اسلامی ضمن اشاره به برابری زنان و مردان در ارزش‌های اخلاقی، عبادی و معنوی، حق مالکیت زنان نیز تأیید شده است. با بررسی و دقت در آموزه‌های قرآنی و روایی مشخص می‌شود اسلام حق مالکیت زنان را پذیرفته و جنسیت آنان موجب تفاوت نگرش اسلام در موضوع حق مالکیت نشده است. (پناهی، ۱۳۹۸: ۱۰۹)

براساس آموزه‌های اسلام، زن می‌تواند به کسب و کار و فعالیت اقتصادی بپردازد و آنچه از این طریق به دست می‌آورد متعلق به خودش است. خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبْنَ. (نساء / ۳۲)

برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است.

برخی آیات نیز به طور عام زنان و مردان را به کار و تلاش برای آبادانی زمین تشویق می‌کنند. آیاتی چون:

وَإِنتَعُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ. (جمعه / ۱۰)

از فضل خدا جويا شوید.

هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا. (هود / ۶۱)
او شما را از زمین پدید آورد و برای آباد کردن آن برگماشت.

همچنین در تعالیم اسلامی، تلاش زنان برای کسب روزی حلال همچون مردان، الزامی دانسته شده است. پیامبر اکرم ﷺ در این زمینه می‌فرماید:

طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ. (شعیری، بی‌تا: ۱ / ۱۳۹)
جستجوی رزق و روزی حلال بر هر زن و مرد مسلمانی واجب و ضروری است.

نکته مهمی که به روشن شدن دیدگاه واقعی اسلام درباره اشتغال زنان کمک می‌کند، این است که اسلام هرگز روابط خانواده را بر پایه استقلال و یا عدم استقلال اقتصادی، و بر پایه کارکردن یا کار نکردن زنان استوار نساخته است، بلکه این سازمان اجتماعی را فقط بر پایه فطرت بنا نهاده است؛ از این رو، اسلام به‌رغم اینکه به زن استقلال اقتصادی کامل می‌دهد و با وجود اینکه مقرر می‌دارد او در وقت ضرورت به اجتماع بیاید و کار کند و رفع نیاز نماید، سازمان خانواده را به‌گونه‌ای بنا نهاده که زن، زن باشد و نه مرد؛ و باید وظیفه فطری زنانه را برعهده گیرد. (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۳: ۲۵۳)

به سبب اهمیت نقش‌های فطری زنانه، اسلام مرد را وادار ساخته که مخارج زندگی زن را تأمین کند، نه اینکه حق استقلال اقتصادی را از وی سلب کند، به بهانه اینکه کفیل زندگی اوست. این کفالت برای آن است که فکر و اعصاب زن برای تأمین مخارج زندگی روزانه مشغول و فرسوده نگردد، تا بتواند نیروی خود را در انجام وظایف مهم مادری بسیج کند و فرزندانش را که امانت الهی در نزد اوست در دامن مهر و محبت خود بپروراند. (قطب، بی‌تا: ۹۷) در نگرش اسلامی، اشتغال زن نباید موجب گریز او از انجام وظایفی شود که طبیعت و فطرت برای او معین کرده است. مادری و همسری، ارزش‌های برجسته‌ای هستند که اسلام برای زن معین کرده است و هر چیزی که در فرایند ایفای درست این نقش‌ها اختلال ایجاد کند، از دید اسلام مورد تأیید نیست.

در اسلام، با توجه به اهمیت تفاوت‌های تکوینی زن و مرد، اشتغال زنان به‌طور کلی و به‌ویژه در بیرون از خانه، به‌مثابه نقش ثانوی و پس از فراغت از ایفای نقش‌های اولیه (مادری و همسری) برای زنان قابل پذیرش است. (کههریزی و مرادی، ۱۳۹۴: ۲۸ - ۲۷) از این رو در تعارض نقش مادری و شغلی می‌توان به نفع مادری استدلال نمود و موارد استثنایی را در جای خود توجیه نمود. هم‌چنین به‌عنوان یک اصل از مادری در مقابل اشتغال دفاع نمود و شأن و منزلت زن را در قامت مادری یافت نه در شاغل شدن به اموری که دیگران نیز می‌توانند از عهده آن برآیند.

۵. چند پیشنهاد

با توجه به پیامدهای منفی اشتغال بی‌ضابطه بانوان، به‌ویژه زنان دارای فرزند که اشتغال بیرون از منزل آنها، یکی از مهم‌ترین مواردی است که انجام وظایف مادری را با چالش مواجه می‌سازد، راهکارهایی برای کاهش آسیب‌های اشتغال مادران وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) ارزش‌گذاری و اهمیت دادن به مقام و شأن مادری و خانه‌داری

امروزه اعتماد به‌نفس مادران به شغلشان وابسته شده، نه به نقش مادری آنان و مادران بسیاری که ماندن در خانه را برمی‌گزینند، گاهی اوقات هزینه سنگینی را برای اثبات شخصیت خود می‌پردازند. در برخی کشورها مانند آمریکا، آن‌چنان شاغل بودن را برای زنان مهم‌تر از هر چیز دیگری جلوه داده‌اند که اختصاص کمترین زمان ممکن به نوزادان، نماد شخصیت مادر محسوب می‌شود. (گیلدر و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۱) باید این نگرش را تقویت کنیم که مادرانی که از فرزندانشان خود مراقبت می‌کنند، کار مهمی انجام می‌دهند. آنها آدم‌های قدیمی نیستند که از سنت‌های از مدافته تبعیت می‌کنند. بلکه فرزندانشان را به‌گونه‌ای بزرگ می‌کنند که جدیدترین تحقیقات، بهترین بودن آن نوع تربیت را اثبات کرده است. (همان: ۷۵)

برخی می‌گویند از لحاظ اقتصادی امکان آن نیست که مادران در خانه بمانند، آنها باید وارد بازار کار شوند و مولد باشند. اما چه چیزی پرمهرتر از آن است که انسان فرزندانی مهربان، با محبت، و با اخلاق تربیت کند؟ آنچه از لحاظ اقتصادی توانش را نداریم، جامعه‌ای است پر از مشکل خشونت، اعتیاد و طلاق. (همان) خانه‌دار بودن، نه تنها تحقیر برای زن نیست، بلکه به فرموده مقام معظم رهبری (حفظه الله) شغل اصلی و اولیه زن، زن خانه بودن است و این تجلیل زن است، احترام زن است. زن سوگلی خانه است و مرد پادوی خانه. (www.khamenei.ir)

اگر در جامعه امروز، مادری منزلت و شأن واقعی خود را بازیابد، زنان خانه‌دار از اینکه در خانه بمانند و فرزندآوری و فرزندپروری را پیشه خود سازند، هرگز احساس حقارت نخواهند کرد و انگیزه آنان برای اشتغال بیرون از خانه کم خواهد شد. امام خمینی با بهره‌گیری از آموزه‌های بی‌بدیل اسلام، مادری را به زیباترین و بهترین وجه ترسیم کرده‌اند. ایشان ضمن تشبیه شغل مادری به شغل انبیاء (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۹ / ۱۳۷) می‌فرماید:

مادربودن و اولاد تربیت کردن بزرگ‌ترین خدمتی است که انسان به انسان می‌کند.

اشرف کارها در عالم مادربودن است و تربیت اولاد. تربیت اولاد بالاترین چیزی است که

در همه جوامع از همه شغل‌ها بالاتر است. هیچ شغلی به شرافت مادری نیست. (همان):

(۴۴۵ / ۷)

کسانی که داعیه‌دار دفاع از حقوق زن هستند، بدون توجه به تفاوت‌های تکوینی زن و مرد و جایگاه هرکدام در عالم هستی، به بهانه آزادسازی زن از نقش‌های سنتی و رساندن او به جایگاه برابر با مردان، با وارد کردن بی‌رویه زنان به بازار کار، بزرگترین ظلم را به زنان، کودکان و جامعه بشری روا داشته‌اند. یکی از راه‌های بازگشت زنان به شغل اصلی و اولیه خود، این است که در فضاهای آموزشی، برنامه‌ریزی‌ها، تبلیغات، رسانه‌ها و عرف عمومی جامعه به نقش خانه‌داری، همسرداری، مادری و فرزندپروری ارزش و منزلت واقعی و متناسب آن داده شود. در این صورت زنان خانه‌دار احساس ارزشمندی و کرامت خواهند کرد و دیگر هویت و شخصیت خویش را در اشتغال جستجو نمی‌کنند. همچنین باید به آثار قابل توجه آشکار و پنهان خانه‌داری در اقتصاد خانواده و جامعه توجه شود و ارزش‌گذاری ویژه‌ای برای آن صورت گیرد و به‌عنوان یک شغل در جامعه پذیرفته شود. (آذربایجانی، ۱۳۸۸: ۱۰۹)

ب) فرهنگ‌سازی برای اقبال به اشتغالات خانگی و انعطاف‌پذیر همراه با ترویج دورکاری
فعالیت‌های خانگی، با وجود سنگینی آن، از این ویژگی برخوردارند که می‌توانند براساس میل زن و اقتضات دیگر زندگی، از جمله فرزندآوری و فرزندپروری، تنظیم شوند. انعطاف‌پذیر شدن فعالیت زنان و امکان پذیرش انجام تمام یا بخشی از فعالیت‌های شغلی در خانه و ترویج دورکاری در مشاغلی که امکان انجام آنها در خانه هست، زنان را قادر می‌سازد تا با آرامش بیشتری میان وظایف خانگی و وظایف شغلی خود سازش برقرار کنند. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۹۳) در برخی کشورها راهبرد انعطاف‌پذیر کردن و شناور ساختن ساعت‌های کار زنان به دلخواه آنان و براساس شرایط خاص ایشان اجرا شده است (دانش، ۱۳۸۲: ۱۱۴) که مهم‌ترین اثر آن کاهش تعارض میان نقش خانگی و اشتغال است.

ج) ترویج فرهنگ پرهیز از زندگی تجملی و خودداری از اسراف و تبذیر

اگر انسان گرفتار حرص، تبذیر و اسراف شود، هیچ چیزی او را سیر نمی‌کند و پیوسته به فکر زرق و برق، تجملات و تشریفات خواهد بود و این راهی است که هرگز پایان ندارد. آن چیزی که آرامش را از انسان می‌گیرد و او را بنده دیگران می‌سازد، عدم رعایت اعتدال در امور زندگی و

زیاده‌روی در امور اقتصادی است. اگر انسان در زندگی، طریقه میان‌ه‌روی را در پیش نگیرد، دچار بدبختی می‌شود. (کهربیزی و مرادی، ۱۳۹۴: ۳۶)

قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ. (اسراء / ۲۷)

همانا اسراف‌کاران، برادران شیاطین هستند.

سیاست‌گذاری درست در اقتصاد خانواده و جلوگیری از هرگونه اسراف و تبذیر و پرهیز از زندگی تجملی، می‌تواند هزینه‌های خانواده را کاهش داده و عاملی مهم جهت تقلیل و محدود نمودن حضور تمام‌وقت بانوان به‌منظور تأمین هزینه‌های زندگی در بیرون از خانه به‌شمار آید. (همان) سرمایه‌های مادی که زنان از طریق اشتغال به‌دست می‌آورند درحالی‌که ضرورتی به داشتن آنها ندارند و ظاهراً رفاه بیشتری را برای خود و خانواده رقم می‌زنند، اگر به قیمت انجام ندادن وظایف مادری و همسری و خودداری از فرزندآوری باشد، درواقع از دست دادن سرمایه است نه به‌دست آوردن آن؛ زیرا پرورش فرزندان صالح، بزرگترین سرمایه دنیوی و اخروی برای انسان شمرده می‌شود، اما به‌دست آوردن زرق‌وبرق دنیا، فانی و از دست رفتنی است. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «فرزند صالح گلی است از گل‌های بهشت». (صدوق، ۱۴۰۵: ۳ / ۴۸۱)

و در جای دیگری که باقیات الصالحات را بیان می‌کردند، فرمودند:

... و فرزند صالحی که بعد از مرگ پدر و مادرش برای آنها استغفار می‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۷ / ۵۷)

بی‌تردید، پرورش فرزند صالح، بیش از هرکس دیگری وظیفه مادر و نیازمند دامن پر مهر و عطوفت اوست. مادری که برای رسیدن به تجملات زندگی، فرزندش را رها می‌کند و نگهداری از او را به پرورش‌گاه یا شخص دیگری واگذار می‌کند تا به شغلش آسیبی وارد نشود، اگر دوری فرزندش از او سبب ایجاد عقده و ناراحتی و ایجاد ناهنجاری در رفتار او شود، بزرگ‌ترین ضرر را متوجه خود، فرزند و جامعه کرده است. درحالی‌که این ضرر با هیچ سرمایه‌ای قابل‌جبران نیست. براین اساس، برای اینکه دستمزد مردان، کفاف هزینه‌های زندگی را بدهد و زنان مجبور نباشند به اشتغال بیرون از خانه روی آورند، باید ساده‌زیستی و قناعت را پیشه خود سازند و با نهادینه کردن این سبک زندگی به‌جای سبک زندگی تجملی، الگوی عملی خوبی برای فرزندانشان باشند.

د) مساعدت و همکاری همسر در انجام امور خانه و رسیدگی به فرزندان

یکی از مهم‌ترین راه‌کارهایی که می‌تواند زنان شاغل را در انجام وظایف مادری کمک کند، همکاری همسر در امور خانه و رسیدگی به فرزندان است. همدلی و مشارکت همسر در امور خانه، زمینه‌ساز صمیمیت و تفاهم میان زوجین، فراهم نمودن فضای شاد و با نشاط در خانواده و ایفای صحیح وظایف خانوادگی است. (کرمی، ۱۳۹۳: ۳۶) متأسفانه در جوامع کنونی به موازات تشویق زنان به اشتغال بیرونی، هیچ‌گونه تشویق و ترغیبی برای همکاری مردان در امور خانه صورت نگرفته است و انجام وظایف خانه و پیگیری امور فرزندان همچنان بر دوش مادر سنگینی می‌کند. این درحالی است که آموزه‌های دینی از این مهم غافل نبوده و با قراردادن اجر و پاداش اخروی برای همکاری مرد در امور خانه، مردان را به مساعدت در امور خانه تشویق می‌کنند. سیره عملی بزرگان دین نیز بر مشارکت و همکاری در امور خانه بوده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مشاهده امام علی علیه السلام در حال انجام امور خانه فرمودند:

يَا عَلِيُّ لَا يَخْدُمُ الْعِيَالُ إِلَّا صِدِّيقٌ أَوْ شَهِيدٌ أَوْ رَجُلٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (نوری، ۱۴۰۸: ۱۳ / ۴۸).

ای علی! هیچ مردی به اهل و عیال خود خدمت نمی‌کند، مگر آنکه جزو صدیقان یا شهیدان باشد، یا کسی که خداوند خیر دنیا و آخرت را برای وی خواسته باشد.

از این رو، آشنایی با سیره عملی بزرگان دین در زمینه مشارکت آنان در امور خانه می‌تواند در تصحیح نگرش مردان درباره ارزش کار خانه و ترغیب آنها به مشارکت در امور خانه تأثیر بسزایی داشته باشد. همکاری و مساعدت مرد در امور خانه، علاوه بر اینکه به زن کمک می‌کند تا جمع بین اشتغال و انجام وظایف مادری برایش آسان شود، در حفظ زیبایی، جوانی و سلامتی زن نیز بسیار مؤثر است و از فرسودگی، پیری زودرس، ضعف اعصاب و گرفتار شدن به برخی بیماری‌هایی که ناشی از فشار مضاعف و استرس است، جلوگیری می‌کند. از طرفی، وقتی زن همکاری همسرش را در انجام کارهای منزل و رسیدگی به امور فرزندان مشاهده می‌کند، رغبتش به فرزندآوری و فرزندپروری بیشتر می‌شود؛ زیرا خودش را در انجام این رسالت مهم تنها نمی‌بیند.

در مواردی که جمع میان اشتغال و مادر شدن امکان‌پذیر نباشد، مادری در اولویت است. انتخاب مادری در چنین شرایطی، براساس شاخص‌های زیر توجیه‌پذیر است:

۱. شاخص وجدان و فطرت: مادر شدن و مادری کردن با فطرت زن و نیازهای فطری او

هماهنگ‌تر است تا اشتغال که امری ثانوی و عارضی است.

۲. شاخص عقلی: براساس دستاوردهای علوم تجربی از قبیل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و پزشکی، فواید بی‌شمار مادرشدن برای خود مادر، فرزندان و سایر اعضای جامعه و غیرقابل جایگزین بودن آنها، مادری را نسبت به اشتغال در اولویت قرار می‌دهد.

۳. شاخص نقلی: براساس آموزه‌های دینی، مادری نسبت به اشتغال اولویت دارد؛ زیرا آنچه در متون دینی در باب عظمت مادر و شأن والای او بیان شده، مادرشدن و مادری کردن را در صدر انتخاب‌های زنان قرار می‌دهد و زن وظیفه دارد خودش را از رسیدن به چنین مقامی که تمامی امکانات تکوینی رسیدن به آن را دارد، محروم نکند. از سویی، اسلام با واجب کردن نفقه و مخارج زن بر عهده شوهر، دغدغه اشتغال و تأمین معاش را از عهده زن ساقط کرده است. البته در شرایط خاصی مانند زنان سرپرست خانوار یا زنان بدسرپرست، نیازهای ضروری زندگی اقتضا می‌کند که زن برای تأمین معاش خود و فرزندانش به اشتغال بیرون از خانه روی آورد. در چنین شرایطی، اطرافیان زن و حکومت اسلامی باید به‌گونه‌ای زن را حمایت کنند تا کمترین آسیب متوجه انجام وظایف مادری چنین زنانی شود.

نتیجه

اشتغال بانوان بنفسه امری پذیرفتنی است و با آموزه‌های دینی و اسلامی هم منافاتی ندارد، ولی با در نظر گرفتن شأن مادری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های وجودی بانوان، بجز ضرورت‌هایی که در جای خود بحث شده است، نمی‌توان اشتغال را به مسئله مادری در نقش فرزندآوری و فرزندپروری ترجیح داد. آنچه بانوان را به سمت اشتغال سوق می‌دهد امری است که خود از منظر اخلاقی محل تأمل است. زیاده‌خواهی، چشم و هم‌چشمی و برخی موارد دیگر می‌تواند به‌عنوان ظرفیت‌هایی منفی در اشتغال بانوان باشد. البته اینکه در برخی مشاغل ما نیاز به حضور بانوان داریم امری اخلاقی است. از سویی، اگر ما بپذیریم که برخی بانوان این توانمندی را در مدیریت بین عواطف و احساسات زنانه و نقش مادری خود داشته باشند و بتوانند در حرفه‌هایی متناسب با شئون خود مشغول شوند، تعارضی نمی‌توان بین این دو دانست. نتیجه آنکه مادری و رعایت شأن مادری برای بانوان به‌عنوان اصل اولیه است و در صورتی می‌توان اشتغال را برای بانوان به جهت اخلاقی پذیرفت که شأن آنها به‌عنوان مادر دچار لطمه و خسارت نشود. در صورت ورود بانوان به برخی مشاغل، عواملی چون حمایت خانواده به‌ویژه همسر، حمایت سیاست‌های جامعه و دولت‌ها می‌تواند منجر به کمتر شدن شکاف بین اشتغال مادران و نقش مادری آنان شود.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۹۵، *تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی*، تهران، تیسرا.
۲. آذربایجانی، مسعود، ۱۳۸۸، «عدالت جنسیتی و اشتغال زنان»، *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۴۶.
۳. امام خمینی، سیدروح الله، ۱۳۸۹، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. بنگستون، ورن ل و همکاران، ۱۳۹۳، *دائرةالمعارف خانواده*، ترجمه عالیه شکر بیگی، تهران، جامعه‌شناسان.
۵. بختیاری، آمنه، ۱۳۸۸، *تأثیر اشتغال زنان بر خانواده (با تأکید بر فرزندان)*، به کوشش لیلادسات زعفرانچی، تهران، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
۶. پناهی، علی احمد، ۱۳۹۷، *اشتغال زنان با تأکید بر آسیب‌ها و اولویت‌ها*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. پناهی، علی احمد، ۱۳۹۸، *نقش زن و مرد در خانواده با رویکرد اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. چراغی کوتیانی، اسماعیل، ۱۳۹۳، *خانواده، اسلام و فمینیسم*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۹. دانش، عصمت، ۱۳۸۲، *اشتغال زنان و مسائل آنها از چشم‌اندازهای مختلف*، تهران، دریای اندیشه.
۱۰. دمارنف، دافنه، ۱۳۸۹، *غریزه مادری در مورد فرزندان، عشق و زندگی معنوی*، ترجمه آزاده وجدانی، قم، دفتر نشر معارف.
۱۱. رودز، استون ای، ۱۳۹۲، *تفاوت‌های جنسیتی را جدی بگیریم*، ترجمه معصومه محمدی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. رفعت‌جاه، مریم و فاطمه خیرخواه، ۱۳۹۲، «مسائل و چالش‌های اشتغال زنان در ایران از دیدگاه شاغلان پست‌های مدیریتی»، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، سال اول، ش ۲، ص ۱۵۶ - ۱۳۰.
۱۳. زیبایی‌نژاد، محمدرضا، ۱۳۸۸، *اشتغال زنان، عوامل، پیامدها و رویکردها*، به کوشش لیلادسات زعفرانچی، تهران، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
۱۴. شلیت، وندی و همکاران، ۱۳۸۳، *فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳*، ترجمه معصومه محمدی و همکاران، قم، دفتر نشر معارف.
۱۵. صادقی فسایی، سهیلا و همکاران، ۱۳۸۶، *مجموعه مقالات فمینیسم و خانواده*، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.

۱۶. فیگزر، کیت، ۱۳۸۴، *زنان و تبعیض*، ترجمه اسفندیار زندپور و بهدخت مال امیری، تهران، گل آذین.
۱۷. قطب، محمد، بی تا، *جامعه‌شناسی تاریخی زن*، ترجمه محمدعلی عابدی، تهران، البرز.
۱۸. قربانی، معصومه و همکاران، ۱۳۸۸، «بررسی تأثیر اشتغال زنان بر هرم قدرت در خانواده»، *فصلنامه خانواده پژوهی*، سال پنجم، ش ۱۸.
۱۹. کرمی، فیروزه، ۱۳۹۳، *بررسی آراء مهم‌ترین متفکران اسلامی معاصر درباره اشتغال زنان و ارائه الگوی اشتغال زنان بر مبنای نظام فکری اسلام*، رساله دکتری، مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه علوم حدیث.
۲۰. کهریزی، مهوش و علی مرادی، ۱۳۹۴، «چالش‌های اخلاقی اشتغال زنان برای خانواده»، *پژوهش‌نامه اخلاق*، سال هشتم، ش ۲۸، ص ۴۰-۲۳.
۲۱. گیلدر، جرج و همکاران، ۱۳۸۹، *چه کسی گهواره را تکان خواهد داد؟*، ترجمه سمانه مدنی و آزاده وجدانی، قم، دفتر نشر معارف.
۲۲. محمدی، سام و همکاران، ۱۳۹۶، *تقدم حق ولای قهری مادر نسبت به جد پدری بر مبنای مصالح روز، نشریه حقوقی دادگستری شماره ۹۸، ص ۲۰۰-۱۷۵*.
۲۳. مصباح، علی و همکاران، ۱۳۸۵، *روان‌شناسی رشد یا تکرش به منابع اسلامی*، تهران، سمت.
۲۴. مک کین، بیل، ۱۳۸۲، «تأملی درباره خانواده تک فرزندی»، *سیاحت خوب*، سال اول، ش ۶، ص ۳۸-۲۸.
۲۵. هاجری، عبدالرسول، ۱۳۸۲، *فمینیسم جهانی و چالش‌های پیش رو*، قم، بوستان کتاب.
۲۶. شعیری، محمد بن محمد، بی تا، *جامع الاخبار*، نجف، المطبعة الحیدریة.
۲۷. صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۵، *من لا یحضره الفقیه*، بیروت، دارالأضواء.
۲۸. الطباطبایی، السیدمحمدحسین، ۱۴۱۷، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جمعیت مدرسی الحوزة العلمية قم.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۳۰. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت، مؤسسة آل‌الیت لإحياء التراث.

31. Fisher, Helen, 1999, *The First Sex: The Natural Talents of Women and How They Are Changing the World*, New York, Random House.
32. Hyde, Janet, 2013, *The Psychology of Women*, Belmont (USA), Wadsworth.
33. Robbins, Stephen and Judge, Timothy, 2015, *Organizational behavior*, Manufactured in USA.
34. www.Khamenei.ir.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی